

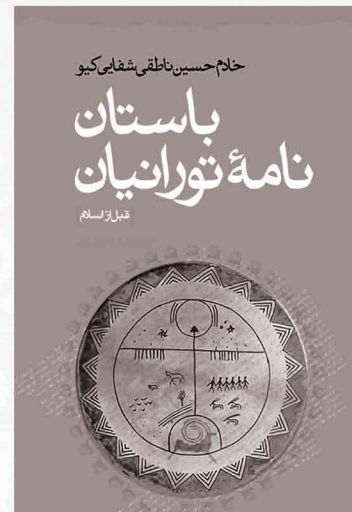
نامه تورانیان باستان

خادم حسین ناطقی شفایی کیو
انتشارات بنیاد اندیشه
چاپ اول، خزان ۱۳۹۷، کابل

«نامه تورانیان باستان» اثر تاریخی خادم حسین ناطقی شفایی کیو، در سه جلد منتشر شده است. جلد اول به خاطر حجم زیادش در دو بخش؛ اما جلد های دوم و سوم هر یک در یک بخش چاپ شده است. این مجموعه حاصل سال ها تلاش، تحقیق و پژوهش استاد ناطقی است که در مجموع دو هزار صفحه را در بر می گیرد.

مؤلف در مقدمه جلد اول «نامه تورانیان باستان» می نویسد: «کتابی که پیش رو دارید، تحقیقی است پیرامون اوضاع و احوال اجتماعی سکا های تورانی باستان. آن ها تباری از بشریت اند که بر اساس اشارات برخی از ارباب فن، در ازمئه تاریخی، آنان از درون آسیای وسطی؛ یعنی از ترکستان شرقی یا ترکستان چین تا دریای اورال و ایران و از آن جا با فاصله هایی تا رود دن و تا رود عظیم دانوب منتشر بوده اند.» به گفته شفایی کیو، «نامه تورانیان باستان» به این می پردازد که سکا ها کی ها بودند؛ در کجا ها و چگونه زندگی می کردند؛ مسیر مهاجرت شان از کجا شروع و به کجا منتهی می شود؛ نظام های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شان چگونه بوده اند؛ کدام امپراطوری ها و حکومت ها را در کدام سرزمین ها تشکیل دادند، با کدام تیره ها و امپراطوری های دنیا وارد جنگ و نبرد شدند و حاصل این نبردها چه چیزی بوده است، کجا ها را فتح و تصرف کردند و کجا ها در کدام دوره ها از دست شان رفتند، اوصاف و خصوصیات فردی و اجتماعی شان چگونه بودند، به چه چیز هایی باور داشتند، از نگاه نوع زیست و بود و باش به کدام دسته ها تقسیم می شوند و سرانجام به کدام تیره های دیگر منقسم شدند. وی تلاش کرده است که سکا ها را به نیکویی معرفی کند و بگوید کدام ایل و تبار کنونی منشأ سکایی دارند و چگونه به این مرحله رسیده اند. در ذیل تا حدودی به چند و چون فصل ها و بخش های این کتاب پرداخته می شود.

جلد اول «نامه تورانیان باستان» در دو بخش، سی فصل و بیشتر از یک هزار و پنجاه صفحه قطع وزیری به چاپ رسیده است. این دو بخش به تاریخ تمدن های بشری و قوم سکایی قبل از اسلام اختصاص دارد. آن چه در این کتاب مهم و ارزشمند است و محقق نیز در پی واکاوی و روشنایی انداختن آن است، تاریخ هزاره ها و زیست بوم دیروز و مسیر مهاجرت و وابستگی نژادی آن ها است. نویسنده در پی آن است تا بداند که اسلاف این قوم مربوط کدام تیره از تیره های قدیمی بشر بوده اند، اخلاف آن ها کدام تیره ها را تشکیل داده اند، در کدام عصری به این سرزمین آمده اند و در گذشته کدام حکومت ها را تشکیل داده اند، از لحاظ فرهنگی و رسم و رسوم، در چه وضعیتی بوده اند. در کنار این ها، تاریخ افغانستان و گذشته تاریخی اقوام و نژادهایی که در این سرزمین زندگی می کردند و حکومت هایی که آن ها تشکیل داده اند نیز معرفی شده اند. نویسنده درباره تورانیان، سکا ها و محل زندگی آن ها (ساکستان، سجستان و سیستان)، آریایی ها و چگونگی زندگی و منشأ آن ها، اقوام ماقبل آریایی، هزاره ها و ریشه های نژادی و قومی آن ها، مغول ها و امپراتوری ای که به وجود آوردند و... تحقیقات ژرفی انجام داده است. هم چنان آقای ناطقی شفایی کیو، رد سکا ها را در کشورهای همسایه و سرزمین های دیگر هم گرفته است و گستردگی جغرافیای زیستی آن ها را در سراسر جهان دنبال کرده است. علاوه بر این ها، درباره اشکانیان، پارت ها یا پارتیان، ساسانیان، تاه ها و کی پین، کوشانیان، کیداریان یا کوشانیان کوچک، یفتلی ها و مادها، سکا ها در فلات ایران، ساکا ها در عصر سلطنت اشکانیان، تغییر عنوان سکایی به ترکی، ترک ها و رتیل شاهان و حتا یونانیان نیز پرداخته است. بر علاوه این ها، وضعیت اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی این اقوام را نیز معرفی کرده است.



جلد دوم «نامه تورانیان باستان» در هشت فصل و چهارصد و هفده صفحه و زیری تنظیم شده است. این جلد را در حقیقت می‌توان «نامه بامیان» خواند؛ زیرا قسمت اعظم آن به اوضاع و احوال بامیان، سلسله حکمرایان یا شاهان آن (شاران)، گذشته تاریخی، معرفی موقعیت جغرافیایی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی باشندگان دوره‌های مختلف این خطه باستانی، اختصاص یافته است. به گفته نویسنده در منابع تاریخی، تاریخ‌نگاران قسمت زیادی از تاریخ بامیان را به باد فراموشی سپرده و از آن هیچ حرف و حدیثی را نقل نکرده‌اند، ممکن از روی عمد بوده یا هم از روی کمبود منابع. ناطقی اما خود با وجود این مشکل، درباره شاهان و کارنامه‌های آن‌ها، زبان و ادبیات، دین و فرهنگ و وضعیت اجتماعی بامیان در دوره‌ها و حکومت‌های مختلف، به تفصیل از گذشته تا معاصر بحث کرده است. هم‌چنان موقعیت جغرافیایی بامیان که در دوره‌های مختلف متفاوت بوده، مناظر طبیعی و معادن و ساختار طبیعی آن را با استفاده از منابع مختلف معرفی کرده است. بامیان که یکی از مراکز مهم تاریخی دین بودایی بوده است و مجسمه‌های کوه‌پیکر بودا نیز در دل کوه‌های آن موقعیت دارد، مؤلف را واداشته است که سری به دنیای بودا و دین بودایی نیز بزند و پیرامون آن نیز بحث‌های جالب و مفیدی داشته باشد. از سوی دیگر، بامیان که در گذشته معبر راه ابریشم و یکی از اطراق‌گاه‌های کاروان‌های تجارتی میان هند و چین و اروپا بوده است، از لحاظ مواد تاریخی و فرهنگی نیز غنی است.

جلد سوم «نامه تورانیان باستان»، در چهار فصل و ۵۰۳ صفحه به تاریخ غور و حال و احوال شاهان و سلسله‌هایی که در این خطه حکم رانده‌اند، پرداخته است.

جلد سوم «نامه تورانیان باستان» را می‌توان کتابی در تاریخ و گذشته غور و غوریان (آن‌هایی که در غور زندگی کرده‌اند و هنوز هم زندگی می‌کنند) دانست؛ این‌که وجه تسمیه غور چیست، کدام دودمان‌ها در این سرزمین حکمرایی داشته‌اند، کدام تبارها زندگی کرده‌اند و هنوز هم زندگی می‌کنند، رسوم و عنعنات آن‌ها، باورها و شیوه‌های زندگی‌شان، زبان و فرهنگ‌شان چه بوده‌اند، همه این‌ها را می‌توان در این کتاب خواند. همان‌گونه که در جلدهای پیشین نیز تأکید بر تاریخ هزاره‌ها بوده است، در این جلد نیز مؤلف از این نکته غافل نبوده است. وی نکات ارزشمندی را در تاریخ هزاره‌های ساکن غور قبل از اسلام و بعد از اسلام گردآورده است.

یاد گل سرخ

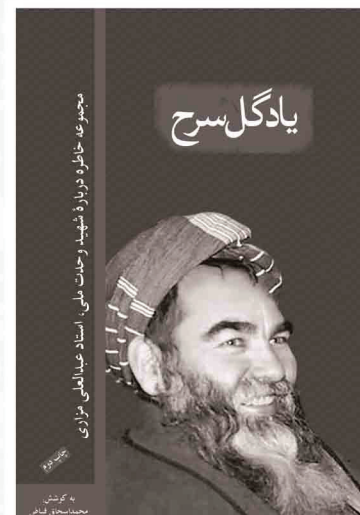
(مجموعه خاطره درباره شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)

تهیه و تنظیم: محمد اسحاق فیاض

انتشارات بنیاد اندیشه

چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۷، کابل

«یاد گل سرخ» مجموعه خاطره درباره شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری است که به کوشش محمد اسحاق فیاض گردآوری شده است و زمستان سال ۱۳۹۷ هـ از طرف بنیاد اندیشه در ۷۱۶ صفحه قطع وزیری به چاپ رسیده است. کتاب مذکور بار اول در تهران با تعداد خاطره‌های کمتر، چاپ و نشر شده بود؛ اما این بار بر تعداد خاطره‌های آن افزوده شده است. «یاد گل سرخ» در چهار فصل تهیه و تنظیم شده است و هر فصل دربرگیرنده چندین بخش است. این مجموعه خاطره، چشم‌انداز روشن‌تری به سوی زندگی و کارنامه‌های رهبر شهید می‌گشاید. این مجموعه برای مزاری‌شناسان، تاریخ‌پژوهان، پیروان خط عدالت‌خواهی به خوبی کمک می‌کند تا معلومات دقیق‌تری به دست بیاورند؛ نسبت به زندگی، کارنامه سیاسی-اجتماعی و تلاش برای رشد فرهنگی و



ایجاد ساختار فکری و فرهنگی، طرحی برای ساختار قدرت در کشور، طرح و تشکیل حزب وحدت از سوی رهبر شهید، اعضا و ساختار آن؛ این که مزاری کی بود، خواسته اصلی اش چه بود گفته هایش چه بود، وی چه کرد، از کجا شروع کرد، چگونه پیش رفت، بینش سیاسی و انسانی و دینی اش چگونه بود، سلوک و سیرت اجتماعی و رهبری اش چطوری بود، برای خود و مردمش چه کرد و سرانجام چه پیش آمد و چگونه به شهادت رسید؟

فصل اول، شخصیت رهبر شهید؛ این فصل دربرگیرنده پنج بخش است: ۱. کودکی و جوانی؛ ۲. دانش اندوزی و رشد روحیه مبارزاتی؛ ۳. فعالیت های فرهنگی و فکری؛ ۴. مبارزات تشکیلاتی و سیاسی؛ ۵. جهاد و مبارزه.

به گفته راویان این بخش، شهید مزاری از همان دوران کودکی روح آزاده و اندیشه عدالت خواهانه داشت، در برابر بی عدالتی و نابرابری می ایستاد، ترس در وجودش راه پیدا نمی کرد، به دیگران یاری می رساند و بلندپرواز و آینده نگر بود. برخورد ملائیم و اخلاق ستودنی داشت، ریسک پذیر بود و از شکست نمی ترسید و سرسختانه با ابزار و امکانات ابتدایی جنگی، با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی می جنگید و مبارزه می کرد.

فصل دوم، وحدت؛ این فصل به تلاش های خستگی ناپذیر شهید مزاری و یاران سخت کوش وی در راستای ایجاد هماهنگی میان هزاره ها و از بین بردن چنددستگی و تشتت آن ها و تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان پرداخته است. راویان این فصل خاطرات شان را از روزهای سخت و طاقت فرسایی روایت می کنند که مزاری و همراهان وی آستین همت بالا زده بودند تا اتحاد و یک پارچگی احزاب هشتگانه هزاره ها و شیعیان افغانستان را به وجود بیاورند. لذا مناطق هزاره جات را گشتند، با شخصیت ها و قوماندانان تمام نواحی صحبت کردند و کنگره ها و نشست های متعددی را سازماندهی کردند. حاصل این همه تلاش، جمع آوری هزاره ها در محور «حزب وحدت» بود. شهید مزاری دریافته بود که تا وحدت و انسجام لازم در میان احزاب و گروه های هزاره ها به وجود نیاید، آن ها نمی توانند به حقوق شهروندی شان دست یابند و به عنوان یکی از اقوام بزرگ این سرزمین در تصمیم گیری های کلان سیاسی و اجتماعی سهیم باشند. شهید مزاری ضرورت وحدت را بیشتر زمانی حس کرد که احزاب هفتگانه اقوام دیگر، بعد از سقوط دولت دکتر نجیب، در پیشاور پاکستان گرد هم آمدند و درباره سرنویشت آینده افغانستان و تقسیم قدرت و سهم گیری شان در قدرت مذاکره و گفتگو می کردند؛ اما از هزاره ها در این جریان کسی حضور نداشت و احزاب هفتگانه، گروه ها و احزاب هزاره گی را به رسمیت نمی شناختند و برای آن ها حتی هم قائل نبودند. این گونه بود که شهید وحدت ملی کمر همت بست و تمام نیرو و تلاشش را پای آوردن وحدت گذاشت

تا این که به این مأمول نیز دست یافت. بخش های این فصل شامل این عنوان هایند: ۱. تلاش های صلح طلبانه؛ ۲. کنگره های حزب وحدت؛ ۳. هیأت حزب وحدت؛ ۴. سرگردانی در سرگردانی.

فصل سوم، مقاومت عدالت خواهانه؛ این فصل به کارها و کارکردهای حزب وحدت به رهبری شهید مزاری، در غرب کابل، پس از سقوط دولت دکتر نجیب و روی کار آمدن دولت موقت مجاهدین اختصاص یافته است. در این فصل همان گونه که از عنوان بخش های آن نیز دانسته می شود، قصه های بیشتر تلخ و کمتر شیرین مقاومت غرب کابل آمده است؛ خاطره های غم انگیز و تلخی ثبت شده اند که بعید می نماید خواننده با شخصیت یا شخصیت های آن احساس هم ذات پنداری نکند و در سوگ از دست رفتگان و ویرانی شهر و قتل عام مردم اشک نریزد. تقریباً با خواندن این فصل می توان دانست که در دوران دولت ربانی بر حزب وحدت و هزاره های غرب کابل چه گذشت و عواملان این همه ظلم و ستم بر انسان هزاره این ناحیه کی ها بودند. قصه های جنگ های تحمیلی بر حزب وحدت و خیانت خیانت کاران در خاطرات این فصل بازتاب یافته اند. خصوصاً ماجرای تراژدی فراموش ناشدنی افشار نیز در خاطره های راویان این فصل، به تفصیل آمده اند. این فصل و فصل آخر که غم انگیزتر و غمگینانه تر از فصل های دیگر است، شناخت بیشتری نسبت به حوادث و قضایای غرب کابل می دهند. این فصل شامل بخش های ذیل است: ۱. شکل گیری مقاومت عدالت خواهانه؛ ۲. قصه تلخ میدان شهر؛ ۳. ساختار دفاعی حزب وحدت؛ ۴. تراژدی افشار؛ ۵. تدارکات؛ ۶. مقاومت عدالت خواهی؛ ۷. نیروهای استخباراتی مقاومت عدالت خواهی؛ ۸. نیروهای استخباراتی و مقاومت عدالت خواهی؛ ۹. سمینار عدالت خواهی؛ ۱۰. اتهامات و تبلیغات سوء؛ ۱۱. مساجد و اطلاع رسانی؛ ۱۲. جنگ و بوریس های تحصیلی؛ ۱۳. حاجی صاحبان حزب وحدت اسلامی؛ ۱۴. فقط مزاری رهبر ماست.

همان گونه که دیده می شود، این بخش یکی از بخش های مهم کتاب «یاد گل سرخ» است که خواننده را به دهه هفتاد غرب کابل می برد و روزهای تلخ آن را روایت می کند؛ این که حزب وحدت در غرب کابل چگونه مقاومت کرد، در برابر جنگ های تحمیلی چگونه و با چه امکانات تسلیحاتی ایستاد، شهید مزاری چگونه سخنانش را به مردم می رساند و اوضاع را چگونه مدیریت می کرد، تدابیر شهید وحدت ملی در این زمان چه بود؛ از کدام کارها و دست آوردهای فرهنگی این سال ها می توان یاد کرد.

فصل چهارم، شهادت؛ فصل پایانی کتاب که مانند یک رمان یا نمایشنامه غم انگیز، تراژدی تر و تلخ تر از فصل های دیگر است. گویی

داستان به اوج می‌رسد و قهرمان اصلی و قهرمانان فرعی داستان را ضد قهرمان‌ها با قساوت تمام از صحنه برمی‌دارند و به ماجراها و حوادث داستان نقطه پایانی می‌گذارند. خاطرات این فصل خواننده را بیشتر از هر زمان دیگر اندوهگین می‌کنند و ماجراهایش متأثر؛ زیرا آن‌که تا این‌جا با استواری تمام آمده بود، آن‌که تکیه‌گاه جمع‌کثیری از انسان‌های دردمند این آب و خاک بود، اکنون به جبر تحولات، تشکیلات سیاسی تحت رهبری‌اش در سرایشی قرار می‌گیرد و سرانجام خودش به شهادت می‌رسد.

روایت‌های این فصل به روزهای پایانی حضور نیرومند حزب وحدت در غرب کابل (سال ۱۳۷۳ هـ) برمی‌گردند؛ روایت‌هایی که گویای ناجوان‌مردی‌ها و هزاره‌ستیزی‌های رهبران دولت، خیانت‌کاران و گروه‌ویرانگر تازه‌وارد هستند. این خاطرات بیان می‌کنند که صحنه چقدر برای مزاری و یارانش تنگ شده بود و گروهک در حال قدرت‌گیری چگونه پیش‌روی می‌کردند و کارگزاران دولت نیز چگونه بر مزاری و هزاره‌های غرب کابل از آسمان بمب می‌ریختند. در این‌جا خاطرات متفاوت و گوناگون از جریان دست‌گیری و اسارت بابه شهید، تلاش‌هایی برای رهایی او، نگرانی‌ها و دلهره‌های دوست‌داران آن پیر خردمند، گریه‌ها و غوغاهای آن‌ها در سوگ بابه‌شان نیز آمده‌اند. هم‌چنان حوادث و ماجراهایی بعد از شهادت شهید مزاری هم ذکر شده‌اند. این فصل شامل بخش‌های ذیل است:

۱. اگر شما زنده ماندید، من هم می‌مانم؛ ۲. اسارت؛ ۳. شهادت؛ ۴. طولانی‌ترین تشییع تاریخی؛ ۵. فراق رهبر؛ ۶. مراسم برگزار نکنید، پیامد دارد؛ ۷. تداوم راه رهبر.

احیای هویت

(مجموعه سخنرانی‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)

تهیه و تنظیم: حسین حیدریگی و امان‌الله فصیحی

انتشارات بنیاد اندیشه

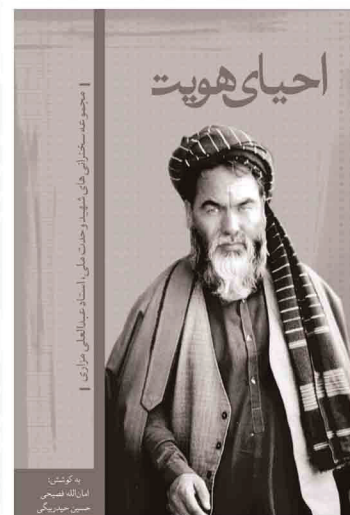
چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، کابل

احیای هویت مجموعه سخنرانی‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری است. این کتاب در ۲۲۲ صفحه زمستان ۱۳۹۷ از سوی انتشارات بنیاد اندیشه به چاپ رسیده است. موضوع کلی کتاب بخشی از تاریخ معاصر افغانستان است. احیای هویت شامل بیست سخنرانی از شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری است. این سخنرانی‌ها در مناسبت‌ها و تاریخ‌های مختلف توسط رهبر شهید ایراد شده‌اند.

موضوع سخنرانی‌های رهبر شهید را در «احیای هویت» عدالت اجتماعی، وحدت ملی، انکشاف متوازن، تأمین حقوق اقلیت‌ها، شریک بودن همه اقوام در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی کشور، سهیم دانستن زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و بسا موارد مهم دیگر شکل می‌دهند.

از لحاظ زمانی نخستین سخنرانی به سال ۱۳۶۵ برمی‌گردد. شهید مزاری در این سخنرانی‌اش به مسأله جهاد مردم افغانستان علیه رژیم اتحاد جماهیر شوروی پرداخته است و سرگذشت خود و هم‌زمان خود را بیان کرده است. آخرین سخنرانی به پنجم جدی سال ۱۳۷۳ برمی‌گردد. شهید مزاری در این سخنرانی‌اش به مسائل غرب کابل و جنگ‌های تحمیلی بر هزاره‌ها پرداخته است.

مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید که بیشترشان در سال‌های جنگ سرنوشت‌ساز غرب کابل



ایراد شده اند، با پس زمینه های تاریخی و بیان شرایط روز است. محتوای کلی این کتاب نشان می دهد که در گذشته تاریخی قومی به صورت سیستماتیک حذف شده بودند و در حال اضمحلال بود، حقوق انسانی شان نادیده گرفته می شد و در صحنه تصمیم گیری ها حضور نداشتند. از همین روی در این سخنرانی ها رهبر شهید صدای رسایی است که همواره نهیب می زند: «در افغانستان دشمنی ملیت ها فاجعه بزرگی است»، «نصف این جامعه را زن ها تشکیل می دهند و حق دارند که در تعیین سرنوشت آینده شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند.»

«احیای هویت» ما را با تصمیم و عملکردهای راهبردی رهبر شهید آشنا می کند. ایشان که اشراف به گذشته تاریخی دارد، سرنوشت تلخ گذشته را می داند و می خواهد جریان کج تاریخ را تغییر بدهد. از همین جهت می گوید: «کسی که موجودیتش در خطر باشد، باید قبل از هر چیزی از موجودیت خود دفاع کند، بعد از آن نوبت می رسد به این که چگونه زندگی کردن و چگونه تصمیم گرفتن خود را مطرح کند و آنگاه برسد به این که چگونه نظام را حاکم بسازد! ما که در این جا تلاش می کردیم که این نظام، نظام انقلابی باشد یا نظام غیرانقلابی، این مرحله سوم بوده است؛ لهذا مادر تلاش شدیم که بیاییم برای حفظ موجودیت مان جمع شویم و وحدت کنیم.» با این دیدگاه بود که رهبر شهید گام های اثربخش وحدت را برمی دارد و «حزب وحدت اسلامی افغانستان» را شکل می دهند.

کتاب «احیای هویت» روایت برهه ای از زندگی شهید مزاری هم است، برهه ای که راست قامت و خستگی ناپذیر به خاطر بهبودی وضع زندگی مردم در حاشیه رفته اش و آوردن وضعیت بهتر برای ساختارهای سیاسی کشور تلاش و مبارزه کرده. رهبر شهید در شرایطی که در سراسر افغانستان جنگ های خانمان سوز داخلی دامنگیر همه بود، هیچ گاه راه حل بحران های زمانش را جنگ ندانست و همیشه بر صلح و آشتی میان اقوام ساکن در افغانستان تأکید کرده.

از همین جهت در یکی از سخنرانی های روزهای جنگ می گوید: «در افغانستان، جنگ راه حل قضایان نیست.»

یکی از خواست های مهم رهبر شهید در کتاب احیای هویت، تغییر نظام از ریاستی به فدرالی است. دلیل این تصمیم، نجات افغانستان از تجزیه است. بر اساس نظام فدرالی همه می توانند درباره سرنوشت سیاسی شان تصمیم بگیرند و ذی دخل در قضایای مهم دولتی باشند و از جانی هم حضور اقشار مختلف مردم در تمام موارد پررنگ تر خواهند بود. از دیدگاه او نظام ریاستی باعث به وجود آمدن حکومت های موازی و قدرت های جدا از بدنه حکومت می گردد که این خود یک نوع انارشی و بی نظمی را در حکومت های مطلقه یا نظام متمرکز نشان می دهد. به گفته شهید وحدت ملی: «حزب وحدت معتقد است و اعلان هم کرده که آینده افغانستان، توسط یک سیستم فدرالی اداره شود؛ تا هر ملیت احساس کند که درباره سرنوشت خود، خودشان تصمیم بگیرند. حالا عملاً مناطق در دست مردم اند؛ اگر در ایجاد یک دولت فدرالی توافق نشود؛ اصلاً مرکز در شمال تسلط ندارد، در هرات تسلط ندارد و در هزاره جات تسلط ندارد. هم در آن جا تشکیلات دارند، هم سلاح دارند، هم امکانات دارند و هم وسیله، تنها راه حلی که هم افغانستان را از تجزیه نجات می دهد و هم ملیت ها را قانع می سازد و هم حقوق شان را تأمین می کند، یک سیستم فدرالی در افغانستان است.»

کتاب احیای هویت، روایتگر تحولات مهم سیاسی و اجتماعی چند دهه اخیر کشور است.

یادنامه شهید وحدت ملی

(به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری)

تهیه و تنظیم: محمد هدایت

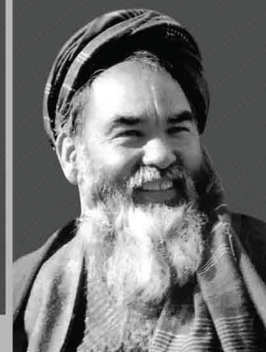
انتشارات بنیاد اندیشه

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، کابل

یادنامه شهید وحدت ملی

به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری

محمد هدایت
به کوشش



«یادنامه شهید وحدت ملی» به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، با قطع رقعی، زمستان ۱۳۹۷، در ۲۳۷ صفحه منتشر شده است. این مجموعه به کوشش محمد هدایت تنظیم شده است و شامل سخنرانی‌ها و بیانیه‌های سیاستمداران و بزرگان کشور است که در مراسم سالگرد شهادت رهبر شهید ایراد شده است.

«یادنامه شهید وحدت ملی» دارای پنج فصل است. در ذیل به صورت مختصر و گذرا به چند و چون این فصل‌ها پرداخته می‌شود.

فصل اول کتاب شامل «بازخوانی یک آرمان»، «شهید وحدت ملی و طرح ایده فدرالیسم»، به ترتیب، مقاله و گفتگویی درباره رهبر شهید، بیانیه‌های جلال‌مآب استاد سرور دانش در مراسم بیست و یکمین و بیست و دومین سالگرد شهادت شهید مزاری و سخنرانی‌های جلال‌مآب استاد سرور دانش، در مراسم سالگرد ارتحال ملکوتی مرحوم استاد عرفانی یکه‌ولنگی، جلسه سیاسی-مشورتی حزب وحدت اسلامی افغانستان و همایش بزرگ یاد یاران، است. همه این فصل به نوشته‌ها و سخنان استاد دانش درباره شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری اختصاص یافته است. استاد دانش به صورت منظم و دسته‌بندی شده اندیشه‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری را شرح و بسط داده است. بی‌هیچ مبالغه‌ای این بخش بهترین و مهم‌ترین بخش «یادنامه شهید وحدت ملی» را شکل می‌دهد. استاد دانش که خود مستقیماً با رهبر شهید در ارتباط بوده و در بخش فرهنگی همواره با ایشان همکاری داشته است، به شکل جامع اندیشه شهید مزاری را تحلیل و بررسی کرده است. خواننده بی‌هیچ دشواری می‌تواند بازخوانی اندیشه‌های شهید مزاری را از قلم رسا و روان استاد دانش بخواند.

فصل دوم کتاب «یادنامه شهید وحدت ملی» دربرگیرنده سخنرانی‌ها و گزارش مراسم ارگ به مناسبت اعطای لقب «شهید وحدت ملی»، استاد عبدالعلی مزاری است. این فصل شامل چندین عنوان است: گزارشی از اعطای لقب «شهید وحدت ملی» در ارگ ریاست جمهوری، بیانیه جلال‌مآب دکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور اسلامی افغانستان، بیانیه جلال‌مآب استاد سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری، بیانیه داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه، بیانیه استاد محمد کریم خلیلی و بیانیه استاد حاجی محمد محقق معاون رئیس اجرائیه.

فصل سوم «یادنامه شهید وحدت ملی» این قسمت فقط به بیانیه‌های مراسم گرامی داشت از بیست و سومین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری اختصاص یافته است. سخنرانان این مراسم به ابعاد و جوانب اندیشه‌ها و باورهای شهید مزاری پرداخته‌اند، این که او کی بود، چه می‌خواست، چه کرد و چگونه زیست، همه و همه را می‌توان در سخنرانی‌های سخنرانان یافت. بنابراین، در این فصل گزارش مراسم بیست و سومین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری، متن بیانیه‌های جلال‌مآب دکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان، جلال‌مآب استاد سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور، سید حسین عالمی بلخی، وزیر مهاجرین و عودت‌کنندگان، سید سعادت منصور سادات ناصری وزیر شهرسازی و مسکن، افتتاحیه شاه حسین مرتضوی و پیام شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت افغانستان به مناسبت بیست و سومین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، آورده شده‌اند.

فصل چهارم یادنامه شهید وحدت ملی به پیام‌های دکتر محمد اشرف غنی به مناسبت بیست و یکمین، بیست و دومین و بیست و سومین سالگرد شهادت شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری اختصاص یافته است.

عبدالله غفاری در فصل پنجم کتاب، سخنان بزرگان درباره شهید مزاری را جمع‌آوری کرده است. در این فصل خواننده با سخنان کوتاهی روبه‌رو است که جایگاه شهید مزاری را در نزد بزرگان افغانستان بازگو می‌کند و در پایان، کتاب با عکس‌هایی از محافل تجلیل از شهادت شهید وحدت ملی تمام می‌شود.

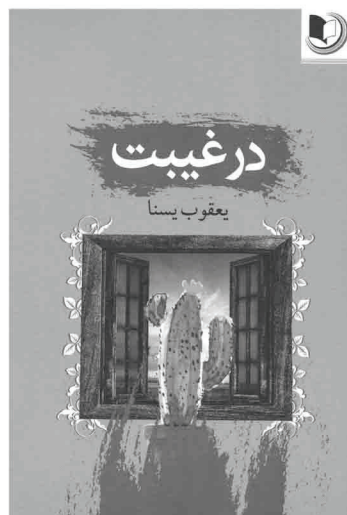


در غیبت

یعقوب یسنا

مؤسسه انتشارات مقصودی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۸، کابل



اگر غزل سرا بودم
 با عروض و وزن و قافیه و ردیف
 موزونیت می کردم
 با سنان و ناوک و تیر و کمان و خنجر
 اندازه ات می گرفتم
 اگر می توانستم
 غزالی را از هندو کش
 مرده یا زنده
 پایین می کردم
 برای مقایسه ی چشمانت،
 وعده نمی کنم.

«در غیبت» مجموعه شعری یعقوب یسنا است که در بهار سال ۱۳۹۸ هـ.خ. از سوی انتشارات مقصودی در کابل، در ۱۳۴ صفحه قطع رقعی به چاپ رسیده است. یسنا در کنار انتشار چاپ و نشر مقاله ها و کتاب های تحقیقی، کتاب های آفرینشی هم منتشر می کند. از او پیش از این کتاب های «مقدمه ای بر فردوسی شناسی و شاهنامه پژوهی»، «خوانش متن؛ نوشتارهای ممکن برای گفتمان نقد ادبی»، «اهریمن؛ بازتاب اسطوره های اوستایی در شاهنامه فردوسی»، «نگارش و روش تحقیق»، «دانایی های ممکن متن» و «من و معشوق و ماقبل تاریخ» چاپ و منتشر شده است.

مجموعه «در غیبت» در قالب شعر سپید سروده شده است و متشکل از چهار بخش است. این چهار بخش شامل «در غربت عشق»، «در غربت خویش»، «در غربت زبان» و «در غربت مرگ» است.

در غربت عشق، اولین بخش مجموعه شعری «در غیبت» است و دربردارنده دوازده قطعه شعر سپید با محتوای اغلباً عاشقانه است؛ قطعه هایی که گاهی بلند و زمانی کوتاه اند. عشق، انتظار و دردها و زخم های آن، به عنوان عنصر مشترک در شعرهای این بخش حضور دارند. شاعر عاشق یا هم راوی عاشق در اندوه یار غرق است و در نبودش رنج می کشد:

پریشانی خاطر
 سر می کشد از جهانی:
 که معنای سکوت تو
 در «من» شناور!
 یا:
 ها ای زنی در آستانه!
 کاش تو را در نوروزی
 ببینم کنار چشمه دهکده؛
 بشویم پایت.

در این شعرها، عشق به فرجام نرسیده و عاشق به معشوق نرسیده تصویر شده است. عاشق

شب‌ها و روزهایش را در خیال یار سر می‌کند.

در غربت خویش، بخش دیگر «در غیبت» است که چهارده قطعه شعر در آن گرد آمده است. در اولین شعر این بخش، شخصیتی تصویر شده که در کنار چشمه است و سعی دارد رابطه آفتاب و درخت و چشمه را کشف و تفسیر کند؛ درختی که سایه به چشمه بخشیده، چشمه‌ای که آب به زمین هدیه کرده، است. هرچه می‌اندیشد، هیچ دست آوردی ندارد. به یاد گذشته‌اش می‌افتد و گذر زمان را تندوتیز می‌بیند و حسرت روزهای رفته را می‌خورد. به مادرش می‌اندیشد و به گذر زمان، این که چه زود همه چیز از دست می‌رود و خصوصاً زمان. در یک چشم به هم زدن، می‌بینیم که کودکی به پایان رسیده و بهار عمر هم به خزان نزدیک شده است.

در شعر دیگر به بیهودگی عشق و احساس و رابطه‌های انسان‌های عصر تکنولوژی اشاره می‌کند که نه عشق عمق و ژرفای قدیمی‌اش را دارد و نه احساس‌ها آن بی‌ریایی و صفای گذشته را. عشق و احساس و رابطه‌ها همه سطحی شده‌اند و سودجویانه و آبکی.

در غربت زبان، سومین بخش کتاب «در غیبت» است که دربرگیرنده هفت قطعه شعر است. محتوای شعرهای این بخش روی نقطه خاصی متمرکز نیست، بلکه به مضامین متفاوتی پرداخته است. چیزی که در این شعرها توجه خواننده را جلب می‌کند، تشبیه‌هایی هستند که خوب و هنرمندانه صورت گرفته است. این تشبیهات در شعر نسبتاً بلند «در چاه» بیشتر مشهود است. شاعر نشان داده است که با شعر شاعران متقدم آشنا است و با آن‌ها رفت‌وآمدهای نزدیکی دارد. از زیبایی‌های شعر آن‌ها (مضمونی و ساختاری) استفاده کرده است و شعر خود را کامل کرده است.

در غربت مرگ، چهارمین قسمت «در غیبت» بوده و شامل هشت قطعه شعر است. «در غربت مرگ» با شعری در سوگ عمران راتب؛ جوان خوش‌فکر و منتقد شروع می‌شود و با شعرهای کوتاه دیگر ادامه پیدا می‌کند و با شعر «در خمیازه» پایان می‌یابد. بوی نامرئی مرگ را در هر یکی از این شعرها می‌توان استشمام کرد یا به تعبیر دیگر مرگ با نمودهای مختلفی در شعرهای آخرین بخش مجموعه «در غیبت» تبلور یافته است. شاید تمام تلاش شاعر بر این است که انسان میرا هست و هر کسی در هر جایگاهی که بوده، مرگ نهایت و پایان زندگی‌اش بوده است؛ بنابراین، هیچ لزومی ندارد که با چنگ و دندان به این زندگی پایان‌یافتنی بچسبیم. در تعیین سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند.»

رنگین کمان فصل رنگ

باور بامیک

انتشارات برگ

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۷، مزار

باور فرعونى ما تا كه گل كرد و شگفت
موسى اندیشه‌ها طاغوت شد، در نیل شد
غرق در بحر تو هم شد حجاز و بولهب
جای پیغمبر نشست و جهل، جبرائیل شد



«رنگین کمان فصل رنگ» بعد از «پرسه‌های جاویدانه» و «به مناسبات‌ها» سومین اثر شعری باور بامیک است که از سوی انتشارات برگ در ۱۲۸ صفحه، قطع رقعی به چاپ رسیده است. باور بامیک در کنار سرودن شعر، مقاله‌هایی هم نوشته است که در نشریه‌های گوناگون کشور به چاپ رسیده‌اند و کتابی به نام «در دری» که کتاب آموزشی پیش‌دانشگاهی است، نیز به چاپ رسانده است. این گونه که به نظر می‌رسد، سرودن و نوشتن یکی از دغدغه‌های اصلی وی را تشکیل می‌دهند.

مجموعه شعری عنایت‌الله باور بامیک، متشکل از شصت و دو قطعه شعر است که تقریباً نود درصد آن غزل و فقط ده درصد سپیدند. غزل‌های این مجموعه فضاها و دغدغه‌های تازه‌ای دارد؛ اما عاری از هرگونه جذابیت و گیرایی شعری‌اند. «رنگین کمان فصل رنگ» از نگاه محتوا و مضمون بیشتر بر محور عشق و بیان احساسات عاشقانه می‌چرخد و کمتر به مسائل جنگ، بی‌عدالتی، حقوق زن، باورهای سنتی و دیگر واقعیت‌های تلخ جامعه‌ای که شاعر خود در آن زندگی می‌کند، اختصاص یافته است. غزل‌های این مجموعه به صورت عموم بی‌روح، سست و همگام با خطاهای زیاد وزنی‌اند؛ خطاهایی که مرغ خوش‌خوان موسیقی، سلاست و روانی شعر را قربانی کرده‌اند و نمک لذت آن را به حداقل رسانده‌اند. غزل‌ها و سپیدسروده‌های مجموعه شعری «رنگین کمان فصل رنگ» از احساس و عاطفه کمتری برخوردار است و آن حسی را که شعر به معنای واقعی آن در وجود خواننده می‌آفریند، شعرهای این مجموعه آفریده نمی‌توانند. از سوی دیگر بازی‌های زبانی، تصویری و واج‌آرایی نیز در این شعرها ضعیف‌اند و آرایه‌های ادبی نیز به حد کافی استعمال نشده است که بتواند مصراع‌ها و بیت‌های این قطعه را از حالت نظم خاص بکشانند و به وادی خوش‌آب و هوای شعر نزدیک کنند. کلامی که در آن نه عنصر احساس و عاطفه پررنگ باشد و نه عناصر تخیل و بازی‌های زبانی و تصویری؛ نه تنها آن را شعر گفته نمی‌توانیم که بدون تردید بر خواننده هم هیچ‌گونه تأثیری را نمی‌آفریند. تأثیرگذاری که یکی از اهداف اساسی ادبیات و متون ادبی و هنری است، نیز تحقق نمی‌یابد؛ آن‌گاه آن متن ارزشمندی خود را از دست می‌دهد و از دم دست خوانندگان دور می‌شود.

قابل یادآوری است که در میان این شصت و دو قطعه شعر، شعرهای جدی انگشت‌شماری نیز هستند که می‌توانند خواننده را به شعر بودن‌شان متقاعد کنند. می‌توانند بر روح خواننده تأثیر بیافرینند و او را لحظه‌ای فراتر از زمان و مکانی که در آن قرار دارد، به گردش و تماشا ببرد. داستان، شعر، عکس، نقاشی یا هر اثر ادبی و هنری دیگری که این قدرت را داشته باشد، در موفقیت خالق و آفریننده آن اثر نمی‌توان تردید کرد. به راستی که او به یکی از اهداف هنر که همانا تأثیرگذاری است، دست یافته است. خوب است که هنرمندان (شاعران، داستان‌نویسان، نقاشان، عکاسان، مجسمه‌سازان، گرافیک‌سازان و...) به جای افزودن به کمیت کارشان بر کیفیت آن توجه کنند و بر آن بیفزایند؛ یعنی به جای آفریدن آثار بی‌شمار ضعیف و ناموفق یک یا چند اثر محدود موفق، تأثیرگذار و جدی بیافرینند تا از یک سو با آفریدن آثار ناموفق کار خوانندگان را سخت نکنند و از دیگر سو وقت‌گران‌بها و سرمایه‌مادی‌شان را نیز با خلق آثار ناموفق صرف نکنند و در آینده هم به پیشگاه تاریخ سرافکنده نباشند.

پلنگ زخمی

علی بیانی
انتشارات دانشگاه

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۷، کابل

هجوم شانه را دیدم به سویت
غنیمت می برد از تار مویت
چه دردی می کشد آینه ای که
سکوت تلخ دارد روبه رویت

«پلنگ زخمی» اولین مجموعه شعری علی بیانی است که در ۷۵ صفحه قطع رقعی از سوی انتشارات دانشگاه به چاپ رسیده است. این کتاب مجموعه دوبیتی ها، رباعی ها و غزلیات وی است. علی بیانی یکی از شاعران دوبیتی سرا و رباعی سرای امروز افغانستان است که دوبیتی ها و رباعی های سلیس، ساده و گیرایی می سراید.

«پلنگ زخمی» در کل شامل چهار بخش زیر می شود:
- شعر علی بیانی از دیدگاه شاعران و ادیبان معاصر زبان فارسی؛
- دوبیتی ها؛
- غزلیات؛
- رباعیات.

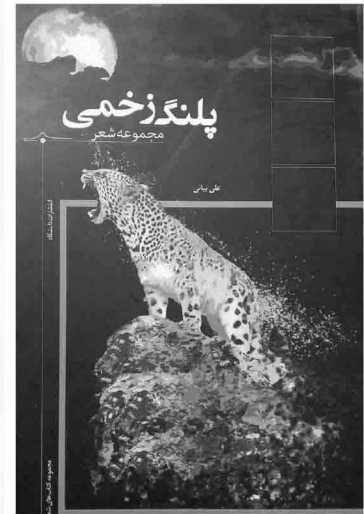
«شعر علی بیانی از دیدگاه شاعران و ادیبان معاصر زبان فارسی» اولین بخش کتاب «پلنگ زخمی» است. این متن نوشته خود علی بیانی نیست، بلکه نظریات و گفتنی های تعدادی از شاعران و نویسندگان معاصر زبان فارسی درباره شعر علی بیانی به عنوان خواننده و مخاطب آن است. در این بخش نظریات اسدالله یوسفی، ابوطالب مظفری، محمدکاظم کاظمی، ضیا قاسمی، حکیم بینش و بابک چترایی آورده شده اند.

بخش دوم کتاب به دوبیتی ها اختصاص یافته و دربرگیرنده هشتاد و یک دوبیتی است. اکثر دوبیتی های بیانی محتوای عاشقانه و احساسی دارند؛ دوبیتی هایی که از هجران و دوری یار و از انتظار و حسرت هایی عاشق دلسوخته خبر می دهند. تنها مضمونی که شاید بیشتر از هشتاد درصد شعر بیانی را به خود اختصاص داده است، همین مضمون عشق است. این عشق به گونه های مختلف در شعر بیانی جلوه یافته است:

شده تا آن قدر دلتنگ باشی؟
که حتی با خودت در جنگ باشی؟
همه درها به رویت بسته تنها
فقط در انتظار زنگ باشی؟
(بیانی، ۱۳۹۷: ۳۵)

یا:
غزل گم شد دوبیتی مرد بانو
گل احساس من پژمرد بانو
لب تو زهر مار آن کسی که
تو را از این حوالی برد، بانو
(بیانی، ۱۳۹۷: ۳۷)

همان گونه که دیده می شود، این دوبیتی ها بدون هیچ گونه پیچیدگی و نوآوری زبانی و تصویری، با



سادگی و خوش فهمی تمام سروده شده است. احساس قوی و تشخیص که آفریده شده اند، شعر را پررنگ و گیرا می نمایند و تمام دوبیتی های علی بیانی به همین شکل اند.

از سوی دیگر، این احساس پررنگی که در سراسر دوبیتی ها، غزل ها و رباعی ها نهفته است، کلام بیانی را به وادی شعر رانده است، اگر نه دوبیتی ها، غزل ها و رباعی های مجموعه «پلنگ زخمی» مجموع واژه هایی می شدند که فقط نظم بخشیده شده اند. حتا یک فکر و اندیشه ای متفاوت و تازه ای هم پشت آن ها وجود ندارد. شعر بیانی بدون این احساس در ردیف متن های روزمره و غیر ادبی تنزل می یابد و از ویژگی های شعری عاری می شود.

در میان این هشتادویک دوبیتی به دوبیتی هایی محدودی برمی خوریم که مضامین انتقادی و اجتماعی دارند. شاید این هم به خاطر اقتضای وزن و قالب دوبیتی باشد که بیشتر در خدمت مضامین عاشقانه بوده است. بیانی در دوبیتی هایش کم تر روی واقعیت های تلخی که جامعه ما بدان ها گرفتار است، انگشت گذاشته و به زبان شعر بیان کرده است. وقتی می گویم که حداکثر شعرهای مجموعه «پلنگ زخمی» به مضمون عشق اختصاص یافته است، خود نشان می دهد که جایی برای مضامین دیگر باقی نمانده است. کمتر اتفاق افتاده است که بیانی غم ویرانی های کشور را بر دوش واژه ها بگذارد و بیان کند:

غریق موج های پر خروشم
غم ویرانی ای کابل به دوشم
نپرس از من، چرا این جا و آن جا...
خدای باورم را می فروشم؟!
(بیانی، ۱۳۹۷: ۳۲)

دوبیتی های علی بیانی عمدتاً سلیس، ساده و بدون کم ترین پیچیدگی های زبانی و تصویری اند و از تعقیدهای زبانی هم پاک و منزهدند. از واژه های تابو، بیگانه، غریب و کم کاربرد قدیمی زبان فارسی دری هم تقریباً هیچ استفاده ای نشده است. تنها چیزی که دوبیتی ها و غزلیات و رباعیات بیانی را رنگ و قوت بخشیده، احساس قوی و نیرومند آن است. این احساس قوی است که برای خواننده تولید لذت می کند و او را وامی دارد تا به خواندن آن ادامه بدهد.

بیانی در مجموعه شعری پلنگ زخمی گاه گاهی تصویرهای قشنگی آفریده و تشبیه های زیبایی خلق کرده است؛ تشبیه هایی که در قدم اول احساس نمی شوند؛ اما با کمی دقت می توان آن ها را دریافت:

همین که می روی هر سو گل اندام
بپوشان از حسودان رو گل اندام
به چشمانی که تو داری یقیناً
حسادت می کند آهو گل اندام
(بیانی، ۱۳۹۷: ۳۸)

بخش دوم کتاب «پلنگ زخمی» در برگزیده ای هفت غزل است که بدون هیچ نام و تاریخی چیده شده اند. غزل های این مجموعه نیز مانند دوبیتی های آن به سلیس ترین شکل ممکن بیان شده اند. همان گونه که

در بخش دوبیتی ها نیز یادآوری شد، شعرهای بیانی از احساس و عاطفه بلندی برخوردارند؛ احساسی که گاهی جای خالی نوآوری های زبانی و تشبیه ها و استعاره ها را پر می کند که اگر نباشد، شعریت شعر تا حدودی به مخاطره می افتد.

رگه های تابوشکنی را در بیان علی بیانی می توان دید و این خصوصیت در قسمت غزلیات بیشتر اتفاق افتاده است. علی بیانی گاهی توانسته است حرف هایی را بر زبان بیاورد که گفتن آن ها برای بعضی ها دشوار می نماید. غزلی که با مطلع: «گذشت آن سال ها؛ اما بگو دلدار یادت هست؟» قرار بوسه های داغ آتش بار، یادت هست؟» شروع می شود، این تابوشکنی را بیشتر دارد:

به دور گردنم آن شب که دستانت حمایل شد
به روی کفش ها افتادن شلوار، یادت هست؟
نبرد تن به تن آغاز شد از پا در افتادم
در آوردی دمار از روزگار یار، یادت هست؟
گره خورده به گیسوی قشنگ خاطرات من
تنفس های پی در پی پس از آن کار، یادت هست؟
(بیانی، ۱۳۹۷: ۶۶)

بخش سوم «پلنگ زخمی» شامل هفت رباعی از علی بیانی است. شاعری که بیشتر به دوبیتی سرایی شهرت دارد و در سرودن آن نیز دست بالایی دارد، ذوق و توانایی و استعدادش را در سرودن رباعی نیز آزموده است. پیش از این قالب در زبان فارسی دری عمر خیم است که او مضامین فلسفی را در قالب رباعی بیان کرده است؛ اما علی بیانی از آن برای بیان مضامین عاشقانه کار گرفته است:

هرچند که یک مرد غریبم بانو
از قول شما، کمی عجیبم بانو
آری به خدا، تا که شما را دیدم
در فکر لب و خوردن سیبم بانو
(بیانی، ۱۳۹۷: ۷۲)

در این رباعی در کنار سلاستی که توجه خواننده را به خود جلب می کند، تشبیه مضمر یا پنهان قشنگی هم نهفته است. هرچند تشبیه زنخدان یار به سیب، تشبیه تازه ای نیست؛ اما در این جا خیلی زیبا و قشنگ جا افتاده است.

نقاش شوم شوم، پنجره شاید بکشم
اصلاً تو بگو چگونه باید بکشم؟
تصویر تو را قدم قدم با نازت...
آن گونه که سوی من بیاید بکشم
(بیانی، ۱۳۹۷: ۷۳)

با در نظر داشت آن چه درباره «پلنگ زخمی» گفته شد، مجموعه شیرین و خواندنی ای است که می شود از خواندن شعرهای آن لذت برد.

فراموش کابل

ابراهیم امینی

نشر آی خانم

نوبت چاپ: اول، خزان ۱۳۹۷، کابل

هرچه بافته است، فتنه گرتو پنبه کرده ای
سنگ و چوب سرزمین شده ست دادخواه تو
کفش ها، لباس های کهنه، سال خورده ها
هرچه داغ دیده ها، چراغ دار راه تو
ما ترا به خواب آب و آفتاب دیده ایم
پُر پرنده می شود افق پس از پگاه تو



«فراموش کابل» تازه ترین مجموعه شعری ابراهیم امینی است که از سوی نشر «آی خانم» در خزان سال ۱۳۹۷ در کابل به چاپ رسیده است. این مجموعه حاوی هفتاد و سه قطعه غزل است که در یک صد و چهل و نه صفحه گرد آمده است. «فراموش کابل» بعد از «وقتی هوای چشم ترا مه گرفته بود» (۱۳۸۶)، «نوشته ام که خط بزنی» (۱۳۸۸)، «گریه در گودال» (۱۳۸۹)، «زخم زیبایی» (۱۳۹۰) و «روز بد، برادر من!» (۱۳۹۳)، ششمین مجموعه شعری ابراهیم امینی است. وی سفرنامه ای تحت عنوان «سرپیچی از راه» نیز نوشته است که روایت سفر قاچاقی وی از افغانستان تا اتریش است.

بدون شک ابراهیم امینی یکی از شاعران جوان خوش ذوق و خوش سرای معاصر زبان فارسی دری است که سرودن را از زادگاه رابعه بلخی و مولانا جلال الدین محمد بلخی - آن شاعر نام دار و عارف شوریده دل دیروز - شروع کرد، در کابل - شهری که روزی و روزگاری صائب تبریزی را دیوانه زیبایی های مناظر طبیعی و مست شراب گل های لاله و ارغوان رنگارنگ دامان کهسارش کرده بود، استمرار بخشید و در اتریش - دیار غربی و غربت - ادامه داد و «فراموش کابل» حاصل آن است. در مجموعه «فراموشی کابل» از لحاظ وزنی، با دو گونه غزل روبه رویم: غزلیاتی که وزن های کوتاه دارند و غزلیاتی که دارای وزن های خیلی طویل اند؛ اما از نگاه سلاست و روانی، گاهی غزلیاتی را می خوانیم که سلیس و روان اند و زمانی با غزلیاتی روبه رو می شویم که سلاست و روانی چندانی ندارند. این هم گاهی از همان وزن های غیر معمولی برخاسته است که در سرودن غزلیات این مجموعه برگزیده شده اند. وزن هایی پیچیده ای که از ترکیب افعیل مختلف ترکیب یافته اند.

به همین شکل، «فراموش کابل» امینی از لحاظ محتوا و مضمون به موضوعات مختلفی پرداخته است، از اوضاع نابسامان جامعه گرفته تا عشق، ناامنی، نابرابری، نقد و انتقاد را می توان یافت. سراینده غزلیات با آن که خود از درون جنگ، نابرابری، ظلم، ستم، انتحار، انفجار، تبعیض و انواع و اقسام نابسامانی های سرزمینی به نام افغانستان (زادگاهش) رخت سفر بسته و به دیار دیگر شتافته است؛ دیاری که انسان ارز دارد، کرامت انسانی اش محفوظ است و عدالت اجتماعی تأمین؛ اما بازهم ذهنش درگیر ماجراهای غم انگیز و تباهنده این جغرافیا است؛ جغرافیایی که او در آن زاده شد، قد کشید و به سرودن آغاز کرد و دیاری که مهر و محبتش در خونس جریان دارد و در دوری اش هرازگاهی می سراید: «دلم گرفته به یاد چهار باغم باز/ هزار باغ زمستان بی کلاغم باز» او با آن که در جای امنی زندگی می کند؛ اما بازهم با قربانیان حوادث این سرزمین تکه تکه می شود، با کودکان بی مادر و مادران بی پسر می گرید، با خانم های بی شوهر و شوهران بی خانم، با دختران ستم کشیده و پسران درد دیده، غصه می خورد و حس بدبختی می کند. با آن که خود عملاً هوای آلوده

کشور انفجار خیز افغانستان را تنفس نمی‌کند و در میان برگشته‌بختانی که در این سرزمین توت‌توت می‌شوند، قدم نمی‌زند؛ اما ذهنش همیشه این‌جا است. روحش همیشه می‌شکند و جگرش ذره‌ذره می‌شود. امینی فضاهایی که در شعرش می‌آفریند، شخصیت‌هایی که خلق می‌کند، سخنانی که بر زبان می‌آورد، همه به محیطی برمی‌گردند که خود متعلق بدان‌جا است و بخشی از عمرش را آن‌جا نفس کشیده است و اقارب و دوستانش هنوز هم پای در گل حوادث تلخ این دیار دارند و دود و باروت تفنگ به‌دستان آن‌را به درون ریه‌های‌شان می‌کشند. مخاطبان و خوانندگان شعر امینی نیز در این‌جا - خیلی دورتر از امینی - در انبوه درد و ستم دست‌وپا می‌زنند.

امینی در این مجموعه‌اش گاهی زبان شکوه می‌گشاید و از دوری یار و بی‌قدری انسان زادگاهش شکایت می‌کند و زمانی زبان لطیفی پیشه می‌کند و با تصاویر و تعبیر قشنگش مخاطب را تا آن‌سوی خیابان خیالات به سیر و سیاحت می‌برد و لذت و خوش‌حالی نصیبش می‌کنند.

در «فراموش کابل» گاهی با تشبیه‌ها، استعاره‌ها و تعبیرهای خیلی قشنگی بر می‌خوریم که در بیت‌ها و مصراع‌های آن به خوبی جا افتاده‌اند. شاعر گاهی تصویرهایی آفریده است که به تمام معنا هنری و ادبی‌اند. وقتی شاعر می‌خواهد از طلوع خورشید خبر دهد این‌گونه سخن می‌گوید: «سر بریده صبح است روی سینه کوه/ کلید می‌خورد این روز تلخ با «غم» باز؛ نه شعله‌ای که دلی گرم صحبتش باشد/ همان مسافر و مهمان بی‌چراغم باز» در بیت اول، تشخیص صبح و کوه که به ترتیب دارای سر و سینه‌اند، و سر بریده صبح که استعاره از خورشید و بریدگی که به خاطر آورنده سرخی و خون است و استعاره از طلوع خورشید است، از یک‌سوزیایی آفرین‌اند و از سوی دیگر هنرمندانه و ادبی؛ که در متن نیز به خوبی جا افتاده‌اند و شعر را از متن ساده روزمره جدا کرده‌اند. یا وقتی چشم یارش را توصیف می‌کند، با این تعبیرها توصیف می‌کند: «دورودخانه مستند چشمانت وای/ دو تشنه‌ای که لب آب جان دهند، دو قاش» در این بیت چشمان یارش را در مستی به دورودخانه خروشان تشبیه کرده است که از مستی در خود می‌پیچند و درهم می‌آمیزند. همان‌گونه که دیده می‌شود، جنبه تصویرآفرینی این بیت‌ها خیلی قدرت‌مند است که خواننده وقتی می‌خواند، می‌تواند تصویرها را مشاهده کند. از سوی دیگر وقتی خواننده برای بار اول این بیت‌ها را می‌خواند، به فکر فرو می‌رود و دست به کشف تصویرهای آفریده شاعر و پی‌بردن به مقصود شاعر می‌زند؛ بعد از مکث و دقتی، زمانی که تصویر را در می‌یابد، احساس لذت می‌کند. قابل یادآوری است که با آن‌که این ششمین اثر شعری ابراهیم امینی است، کمتر با کشف‌های تازه زبانی دست یافته است؛ یعنی در شعرهای این مجموعه خواننده با تصویرها، تعبیرها، تشبیه‌ها و استعاره‌های کمتری برمی‌خورد که مال خود امینی باشند و او به تازگی کشف‌شان کرده باشد. تشبیه‌ها و استعاره‌ها و تشخیص‌های مانند مثال‌های یادشده کمتر در این مجموعه دیده می‌شوند. آنچه در پایان گفتنی است این است که این مجموعه از لحاظ صوری و شکلی، نسبتاً پاک‌تر و تمیزتر است. در سراسر کتاب با خطاهای املائی و وزنی‌ای کمتری روبه‌رو می‌شویم. تنها خطای املائی بزرگی که در سراسر کتاب تکرار شده است، عدم تفاوت بین علامت نکیره و شناسه دوم‌شخص در صورت کوتاهش است. هم «ی»‌های نکیره با «یی» نشان داده شده است و هم شناسه دوم‌شخص کوتاه با «یی» نشان داده شده است که این مطلقاً اشتباه است؛ زیرا شناسه دوم‌شخص به «ای» نشان داده می‌شود؛ مثلاً:

هر چه بافته است فتنه‌گر تو پنبه کرده‌یی

سنگ و چوب سرزمین شده‌ست دادخواه تو (امینی، ۱۳۹۳: ۴۳)

این شیوه در سراسر کتاب تکرار شده است، در حالی که شکل درست آن به صورت زیر است:

هر چه بافته است فتنه‌گر تو پنبه کرده‌ای

سنگ و چوب سرزمین شده‌ست دادخواه تو